

ریشه‌ها در تاریخ مشال و حکم

مهدی پرنوی

«خر کریم را نعل کردن»

هر کس که برای انجام متمدن‌ش‌ر شوه یا باج و یا باصطلاح دیگر «حق و حساب» بدهد میگویند: فلانی خر کریم را نعل کرده است. ریشه تاریخی ضرب‌المثل بالا فی‌الجمله شرح زیر است:

بطوریکه میدانیم برخی از سلاطین ایران و جهان در دربار خود افراد دلتک و مسخره پیشه‌ای داشتند که با حاضر جوابیها و شیرینکاریها مخصوصاً متلکهای نیشداریکه بحاضران جلسه میگفتند شاه را میخنداندند و موجب مسرت و انبساط خاطرش میشدند. دلتکها مجاز بودند هر چه دلشان خواست بگویند منتها شرطش این بود که در بذله‌گوئیها و مسخرگیها نمکی داخل کنند تا لطف سخن از دست نرود و طرف تعرض واقع نشوند. دلتکهای معروفیکه نامشان در مصحیف تاریخ ثبت است عبارتند از: طلحک دلتک سلطان محمود غزنوی - کل عنایت «کچل عنایت» دلتک دستگاه شاه عباس کبیر - قریوله‌ا و دمی‌نک^۱ دلتکهای دربار فرانسوی اول و لوئی چهاردهم - کالامبرک^۲ لوده و مسخره معروف ایتالیائی.

یکی از این افراد دلتک و خوشمزه کریم شیره‌ای بود که در دربار ناصرالدین‌شاه قاجار میزیست. کریم اهل اصفهان بود و در آنجا شاید بخاطر نیش متلکهایش به «کریم پشه» معروف بوده است. در تهران ابتدا معاون نتآرم‌خانه شد و از اداره بیوات که نتآرم‌خانه را در اختیار داشت حقوق و مقرر می‌گرفت. کریم باقتضای شغلش بر چند دسته زمطربهای شهر هم ریاست میکرد و از آنها مبلغی دریافت مینمود. نعتیماً معلوم نشد چرا باو «شیره‌ای» میگویند قدر مسلم اینستکه با شغل اولیه‌اش شیره‌فروشی بوده یا بمناسبت شیرینکاری در بذله‌گوئیها این لقب را باو داده‌اند. شق دوم باید صحیح باشد زیرا پسرش از نظر وجه مشابهت لقب «کریم علی» را برای خود انتخاب

کرده و لسی نتوانست جای پدر را بگیرد. کریم شیره‌ای چون در حاضر جوابی و بذله‌گوئی یبید طولانی داشت پس از چندی طرف توجه ناصرالدین‌شاه واقع شد و در دربار و خلوت شاه نفوذ پیدا کرد. ناصرالدین‌شاه زیاد اهل شوخی نبود و کریم را از آنجهه دلتک دربار کرد تا باقتضای موقع و سیاست روز بتواند بعض رجال و درباریان منتقد را با نیش‌زبان و متلکهایش تحقیر و تخفیف نماید. کریم شیره‌ای را بمناسبت شغل اولیه‌اش که نایب رئیس نتآرم‌خانه بود نایب کریم هم میگفتند.

نایب کریم خری‌داشت که همیشه بر آن سوار میشد و بدربار و با ملاقات دوستان و آشنایان میرفت. خر کریم بخلاف سایر خرها شکل و ریخت مسخره‌ای داشت یعنی کریم طوری جل و بالان بر پشتش میگذاشت که هر وقت سوار میشد همه از آن شکل و هیئت میخندیدند. کریم میدانست بچه‌کس باید متلک و لیچار بگوید. پیداست بکسانیکه مورد توجه شاه بودند بی ادبی نمیکرد و درباریان و سایر رجال هم برای اینکه از نیش زبانش در امان باشند هر کدام باج و رشوه‌ای باو میدادند. آنتهایی هم که از این دلتک‌بازی خوششان نیامد و حاضر نتواند چیزی بکریم بدهند شکایت بناصرالدین‌شاه میکردند. ناصرالدین‌شاه قبلاً جریان قضیه و متلک کریم را از آنها میپرسید و با صدای بلند قهقهه میزد. آنگاه در جواب شاکی میگفت: «بجای گله و شکایت برو خر کریم را نعل کن» یعنی چیزی باو بده تا از شر زبانش محفوظ بمانی. عبارت بالا با مناسبت و از آن تاریخ ضرب‌المثل شده است.

بمناسبت نمیدانند که یک چشمه از شیرینکاریهای کریم شیره‌ای را بعنوان حسن‌خنام نقل کند:

سلیمان‌خان رئیس ایل افشار «که جدش را بعلت تندخوئی

Calamberg - ۱

Dominique - ۲

Tribalet - ۳

۴ - در تعلیم این مقاله بیشتر از دو کتاب «شرح زندگانی من» و «کریم شیره‌ای» استفاده شده است.

و ترشرونی زهرمارخان میگفتند « از طرف ناصرالدینشاه لقب «صاحب اختیار» گرفت . کریم شیرهای هر چند تلاش کرد از او انعامی بگیرد موفق نشد زیرا صاحب اختیار ذاتاً از دلتک بازی خوشش نمیآمد. کریم بانتظار فرصت نشست تا از او انتقام بگیرد. دیری نپائید که این فرصت مناسب بدست آمد توضیح آنکه روزی کریم شیرهای برای مسافرت کوتاهی بر خورش سوار شد و بدست شمیرانات عزیمت کرد ، در بین راه بنهری رسید و خر کریم با مصلاح چهارپادارها بدچشمی کرده نمیخواست از نهر عبور کند . کریم هر تدبیری بکار زد که خورش از نهر بگذرد توفیق نیافت . اتفاقاً در اینموقع ناصرالدینشاه با صاحب اختیار صحبت کنان با آنجا تردید شدند . شاه از کریم پرسید : اینجا چکار میکنی؟ کریم عرض کرد میخواهم بمحل موعودی بروم ، اینجا که رسیدم خشم ترسید و بهیچوجه حاضر نیست از نهر

گذرد . شاه دستور داد یکی از همراهان اسبش را در اختیار کریم بگذارد . کریم اسب را در دست گرفت و خطاب بخورش و اماندهاش گفت : دست بر سر و بابت کشیدم از نهر رد نشدی . کتکت زدم باز هم از نهر رد نشدی . خلاصه هر کاری کردم حاضر نشدی از نهر عبور کنی . حالا که قبله عالم این اسب را بمن مرحمت فرمودند دیگر احتیاجی بنو ندارم . از نهر رد بشوی صاحب اختیاری ، رد نشوی هم صاحب اختیاری !! شاه از این لطیفه بجا و ایهام آمیز کریم شیرهای بی نهایت خندید و بصاحب اختیار که سخت عصبانی شده بود گفت : «معلوم میشود خر کریم را نعل نکرده ای؟» صاحب اختیار چون دید حریف کریم شیرهای نمیشود و لطف شاه نیز شامل حالش میباشد لجاجت و یکدندگی را کنار گذاشت و انعام شایسته ای بکریم داد تا دست از سرش برداشت .

در جهان فرهنگ و هنر چه میگذرد

برگزاری یادبود مولانا در ازبک

برای بزرگداشت از مقام علمی استاد شادروان فروزانفر در روز سه شنبه ۲۴ آذرماه ۱۳۴۹ مراسمی در ازبک برگزار شد . در این مجلس آقای رشدی شارداغ شاعر نام آور ترك در برابر ۱۵۰۰ تن حاضران مجلس درباره مولانا و همچنین خدمات شادروان فروزانفر سخن گفتند و قلمانی از غزلیات مولانا با آهنگ خوانده شد .

در پایان آقای محمود تفضلی رابزن فرهنگی اشعارت شاهنشاهی در آنکارا درباره یگانگی معنوی دو ملت ایران و ترك و اهمیت مقام مولانا در این پیوند مطالبی گفتند و غزلی هم از دیوان کبیر شمس خواندند که ترجمه ترکی آنرا آقای رشدی شارداغ خوانده بود .

در این مراسم شش تن نوز و پنج نفر خواننده از استادان و پزشکان هنرمند رادیو ازبک بودند .

فیتز جرالد اوکراین

در ۱۸۵۹ فیتز جرالد ترجمه رباعیات خیام را در زبان

انگلیسی منتشر ساخت . در حدود ده سال بعد در ۱۵ ژانویه ۱۸۷۱ پروفیسور کویسکی که باید او را فیتز جرالد اوکراین نامید در شهر لوبه جهان دیده گشود . این دانشمند گذشته از ترجمه غزلیات حافظ و چند نمایشنامه فارسی شاهنامه را نیز ترجمه کرده است . امسال جشن یکصدمین سال تولد او را برگزار کردند .

پیشرفت چاپ و مطبوعات در جهان

بر طبق مندرجات سالنامه آماری یونسکو در سال ۱۹۶۸ در سراسر جهان ۴۸۷۰۰۰ کتاب منتشر شده است . و این رقم نسبت به ۱۹۵۵ هفتاد درصد افزایش نشان می دهد . اروپا که دارای ۱۳ درصد کل جمعیت جهان است ۴۴ درصد نشریات جهان را دارا است و آفریقا با ده درصد جمعیت جهان ۱٫۶ درصد و آسیا با ۵۵٫۹ درصد جمعیت جهان ۲۰٫۵ درصد از انتشارات جهان را فراهم ساخته اند . آمریکای شمالی در ۱۹۶۸ چهارده درصد انتشارات جهان را تهیه کرده است و روسیه ۱۵٫۶ درصد .

سوئدیان از همه مردم جهان بیشتر به روزنامه دلپستگی